

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Children

کودکان

تیمور شاه تیموری  
المان - 11 جولای 2011

## باز هم موضوع اطفال

خدا خیر و برکت دهد پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" را که ضمن دیگر خدمات قابل قدر اجتماعی خویش، بحال اطفال مملکت که زیربنای جامعه اند توجه نموده مقالات پرارزشی در باره نشر نموده اند. اولاً آقای مؤمن زاده بتاریخ ششم جولای 2011 مقاله ای در باره فشار روحی و مغز اطفال نشر نموده و توضیح نمودند که نباید بالای مغز اطفال اضافه از توان شان فشار آورده شود. متعاقباً جناب عزیز نعیمی استاد مجرب و بافهم مقاله مبسوطی بتاریخ هفت جولای نشر فرمودند که در باره فشارهای مغزی و جسمی اطفال واقعاً مقاله شان جامع و ارزنده بوده، از روی تجارب حاصله بالتفصیل بیان فرموده اند. و امروز نهم جولای جناب دیپلوم انجنیر خلیل الله معروفی مقاله جامع دیگری با نتیجه گیری از دو نوشته یادشده بدست نشر سپردند که با ارائه صحنه هائی از درد و رنج اطفال نان آور فامیل و تصاویری که نشان دهنده رنج و محنت آنهاست، داد سخن داده و هرخواننده را متأثر و غمگین می سازد. لهذا من نیز خواستم درین مبحث اشتراک نموده با تحریر جملات چندی از درد دل خود بکاهم.

اولاً بعرض میرسانم طفلی که در یک جامعه زندگی میکند اولاد تمام افراد آن جامعه است. این درس را از قبیله و یا گروه فیلان بیاموزیم. در تلویزیون می بینیم که یک گروه فیلان مشتمل بر ده یا پانزده فیل به جانبی در حرکت هستند و در بین شان سه یا چهار کودک و یا نوزاد هم وجود دارد که این کودکان نیز با خرطوم های کوچک و تابدار خود با تلاش بدنبال دیگران دوان اند و در مسیر این گروه فیلان جوی ها، نهرها، آبهای ایستاده و غیره تبارز میکنند که برای بزرگان عبور از آنها اشکالی ندارد اما برای فیل بچه ها مشکل میباشد با تعجب می بینیم و قتیکه یکی از فیل بچه ها در جایی گیر مانده است، تمام فیلان وظیفه خود میدانند که آن یکی را کمک کنند و ما هر قدر دقت کنیم نمیتوانیم بفهمیم که پدر و مادر اصلی این فیل چوچه کدام یکی ازین فیل هاست. گویا این چوچه ها مال همه آنهاست. در گذشته ها در جوامع ما نیز چنین همدردی ها وجود داشت. هرگاه کودکی را می دیدند که سگرت میکشد و یا کار خلاف دیگری را مرتکب میشود، هر یک از بزرگان وظیفه خود میدانستند که مثل پدر او را ممانعت کنند....

بلی هموطن عزیز!

اطفالی که در جامعه ما زندگی میکنند فرزند همه ما هستند. آن طفلی که دست تکدی به جانب دراز میکند فرزند خودت نیز هست پس چطور میتوانی که باو کمکی نکنی و با وجدان راحت از نزدش بگذری؟  
ثانیاً آیا بخاطر ما خطور کرده است که برای این پریشانی، این بی سر و سامانی، این بی نانی، این بی تعلیمی اطفال راه حلی وجود داشته باشد؟

ما در مملکت خود وزارت خانه های زیاد و تشکیلات متورم و پندیده داریم. من نمیگویم که تمام وزیران به وظائف خویش نمی فهمند و یا نمی رسند زیرا به اساس کاردانی و لیاقت مقرر نشده اند، اما طوری که از دور مشاهده میشود بعضی وزارتها غالباً وظیفه احصائیه گیری را انجام می دهند. مثلاً وزارت صحت عامه اعلان میکند که سالانه ... هزار زن در انثای ولادت میبیرند و ماهانه ... هزار طفل به سن یکسالگی میبیرد. و یا سه هزار قابله فارغ از تحصیل شدند. البته در مقابل سی میلیون نفوس!!! و غیره و غیره ....

آیا یکی ازین نهادهای داخل و یا مؤسسات "کمک کننده" خارجی مادران و اطفال به این فکر افتاده اند که در افغانستان به این مملکت آشویزده، به این مملکت فقیر بی آب و نان، به این مملکتی که اکثریت فامیل هایش حد وسط هفت اولاد دارند کنترول توالد و تناسل را پیاده کنند؟ من درجائی خوانده بودم که رشد و ترقی جوامع را به تناسب تولد و تکثر آن جامعه ارزیابی میکنند. مثلاً در مملکتی که حد وسط اولاد در هر فامیل یک الی دو طفل است، حد اعلاى ترقی را دارد و فامیل هائی که حد وسط سه طفل دارند، متوسط و بهمین قسم درجات دیگر به دنبال می آیند. پس فهمیده نمیشود، مملکتی که حد اوسط هر فامیلش هفت الی هشت است، بدرجه چندم می آید؟ از همین روست که ممالکی مانند هندوستان و چین سالانه مبالغ هنگفتی را در بودجه خویش جهت کنترول ولادت و زایمان تخصیص میدهند و مقررات شدید وضع میکنند و ما کسانی که در اروپا و امریکا زندگی میکنیم، به چشم سر می بینیم که فامیل های یک اولاده و دو اولاده از چه مزایائی برخوردارند.

آیا چرا "جامعه جهانی" و نهادهای اجتماعی آن درین مورد کمک و همکاری نمیکنند؟ چرا وزارت صحیه احصائیه گیر افغانستان درین مورد توجه و اقدام عملی نمیکند؟ آیا این موضوع یکی از موضوعات حیاتی و اجتماعی ما نیست؟ آیا این موضوع تهداب و زیر بنای جامعه ما را مستحکم نمیسازد؟

به دلیل اینکه همیشه ما نسبت به زیربناء به روبناء توجه بیشتر کرده ایم، هرگاه عوض ساختن تعمیرهای چندمنزله، به زراعت و آبیاری توجه میشد، امروز مشکلات ما چیزی کمتر میبود.